

بیانات دکتر ایزدی:

بحران اوکراین نقطه عطفی در نظام بین‌الملل است نظام بین‌الملل تاکنون تحولات مهم و مؤثری در خود دیده است. از جمله جنگ جهانی اول و دوم، بحران اقتصادی دهه ۳۰، بمب اتمی، بحران موشکی کوبا، فروپاشی شوروی و حادثه یازده سپتامبر هر یک از این‌ها نقطه عطف محسوب می‌شوند جنگ جهانی اول و دوم موجب ظهور قدرت‌های جدید در نظام بین‌الملل شد این معنای نقطه عطف است. توسعه اقتصادی در چین موجب به وجود آمدن یک رقیب در نظام بین‌الملل شد. فروپاشی شوروی نظم جدید مبتنی بر لیبرال‌دموکراسی، حادثه یازده سپتامبر یعنی نظام نظامی‌گری، البته ما بهار عربی و ظهور داعش را شاهد بودیم که منشأ تحول خاصی در نظام بین‌الملل نشدند، گرچه شرایط ملتهبی را ایجاد کردند. اما بحران اوکراین یک نقطه عطف است. روس‌ها در پی هویت مستقلی در نظام بین‌الملل بودند که در چالش با هویتی بود که غرب ناتو با گسترش به شرق ایجاد می‌کرد و یک تلاقی هویتی شکل گرفت. بحران اوکراین یک مسئله جدی و استراتژیک میان شرق و غرب است و مسئله استراتژیک تبعات استراتژیک خواهد داشت. آسیب‌های این بحران کثیرالاضلاع است و شاید مدتی بگذرد تا همه ابعاد آن بروز کند. این آثار را از منظر کلان روند، در سه حوزه می‌توان دید:

۱- تقویت منطق نظام بین‌الملل بر پایه ماهیت قدرت به معنای عام آن است که شامل همه عرصه‌ها و تحول‌یافته، بهسازی شده و بازسازی شده‌است. چهار حوزه قدرت را باید برای بازیگران اصلی لحاظ کرد: نخست؛ قدرت نظامی که شاخص‌های آن را می‌توان تولید سلاح‌های کشتار جمعی، قدرت پرتاب آن، توان جنگ‌های پهبادی ماهواره‌ای دانست. دوم؛ قدرت اقتصادی که تابع عدم وابستگی به قدرت رقیب است. سوم؛ قدرت فرهنگی یعنی توان تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تحریک احساسات و تحریک توده‌ها. چهارم؛ قدرت سیاسی که به‌مثابه چانه‌زنی در محافل بین‌المللی می‌باشد.

اگر به این معناها از این چهار حوزه قدرت بپردازیم، می‌توان بحران اوکراین را حول این چهار محور ارزیابی کرد. در بخش نظامی گرچه روسیه قوی است، اما این به معنی آسیب‌ناپذیری آن نیست. در بخش اقتصادی شامل اعمال تحریم‌ها هستیم. در بخش فرهنگی شاهد روایت‌های گوناگونی هستیم که جنگ روایت‌ها را تسهیل می‌کند. در بخش سیاسی هم قدرت سیاسی جدید به واسطه وجود نهادهای ناتوان

امروزی برای مذاکره به حاشیه رفته‌است. استفان والت توصیه می‌کند الان شرایطی است که اروپا را به اروپایی‌ها واگذار کنیم و خلیج فارس و خاورمیانه را در وسط نگه داریم.

کلان روند دوم فاش گشتگی محورها و مؤلفه های نظم جدید جهانی است این کلان روند نشان می‌دهد محورهای نظم جدید جهانی تا حدی مشخص شده‌است. نخست؛ بحران نشان می‌دهد که سازمان ملل کارایی نیم‌بند خود را ندارد. دوم؛ امنیت جهان و بین‌الملل پیوسته با مداخلات نظامی تهدید می‌شوند و شرط وجود امنیت دیگر کاربرد نظامی نیست و ابزارهای هوشمند تأثیرگذار است. سوم؛ وضعیت اکولوژیک و محیط‌زیست چنان آشفته‌است که بقای بشر را تهدید می‌کند. چهارم؛ استقلال کشورها تهدید می‌شود. پنجم؛ اقتصاد دیجیتالی شرایط جدیدی را فراهم کرده است. ششم؛ وابستگی اروپا به سوخت روسیه منشأ عدم تناسب قوا در نظام بین‌الملل است. هفتم؛ تحول در حوزه سیستماتیک بازیگری و ساختاری دیده می‌شود که تحت تأثیر این بحران قرار گرفته‌است. از حیث سیستماتیک و ماهیت بازیگری دو نوع کنش در روابط بین‌الملل می‌بینیم؛ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک. ژئوپلیتیک قطبی شدن بیشتر نظام جهانی را نشان می‌دهد و از منظر ژئواکونومیک اهمیت یابی بیشتر نظام تحریم و تضعیف اقتصاد دلار پایه مشاهده می‌شود. از چشم انداز ساختاری شاهد تشدید رقابت میان قدرت‌های بزرگ هستیم. سرانجام این که در نتیجه این بحران برجسته شدن اتحاد فرآتلانتیکی و پررنگ شدن شکاف‌های سفارشی یا موقتی یا موسمی ایجاد یک تقسیم کار استراتژیک در عرصه نظام بین‌الملل را می‌توان متوقع بود.

نکته دیگر این که آخرین کلان روند را می‌توان ظهور و بروز قدرت آسیایی یا آسیا به معنای عام آن دانست. مایکل شومان می‌گوید؛ نظام آینده جهان دو محور دارد. ۱- پکن ۲- واشنگتن البته با فرم‌های لیبرال و غیر لیبرال هر دو تک‌پایه و اقتصاد محور هستند. بنابراین بحران اوکراین تنازع بلوک‌های قدرت را تشدید کرد و این انگیزه را در چین تقویت کرد. البته سیاست چین بر خلاف سابق تهاجمی است و آمریکا را به چشم دشمن راهبردی و اقتصادی می‌داند. بحث یک کمر بند یک جاده قابل توجه است. اگر چین در بحران اوکراین به روسیه کمک کند نشان‌دهنده سیاست فاصله جویانه‌ی چین از غرب است هرچند این فاصله به جدایی کامل نمی‌انجامد. چراکه پیوندهای اقتصادی در دو بلوک قوی‌تر از پیوندهای اقتصادی دیگر بلوک است در این میان قدرت‌های میانه مانند هند در برزخ ایستاده‌اند. بنابراین بازیگری این‌ها تعیین‌شده نیست بعضی کشورهای آسیایی در حوزه غرب و بر برخی کشورها همچون ایران هنوز جایگاه آینده خود را تنظیم نکرده‌اند.

بخش پرسش‌ها:

- ۱- بحران اوکراین چه تأثیری بر بحران مواد غذایی در سطح جهانی دارد؟
- ۲- پیامدهای کوتاه‌مدت بحران اوکراین چیست؟
- ۳- عمل‌هایی شتاب‌دهنده به این بحران در سطوح گوناگون کدام‌اند؟
- ۴- پرسش از افول آمریکا و افول هژمون غرب است و اینکه تأثیر این‌ها بر آینده اوکراین و نوع نگاه جمهوری اسلامی به این نظم‌های فعلی منطقه‌ای چگونه خواهد بود؟
- ۵- در نظم آینده بین الملل تعارض بیشتر است یا تعادل؟
- ۶- یکسری جریان‌ات عوامل شتاب‌دهنده به ایجاد نقطه عطف منتهی شدند و از روی دیگر نقطه عطف شتاب‌دهنده‌ی یکسری مسائل خواهد شد آیا ما شاهد افزایش گرسنگی خشونت و انقلاب و... خواهیم بود؟
- ۷- با جریان فزاینده مهاجرت به ترکیه فشار به اروپا و احزاب دست‌چپ و میانه حتی چه موضعی خواهند گرفت؟